



## بیانات در محفل نورانی انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان - 3 / فروردین / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

امروز بسیار جلسه‌ی شیرین و مطلوبی بود برای ما. حقیقتاً حالا امروز شما با حضور خودتان، با برنامه‌های جذاب و زیبای خودتان ماه رمضان را که طلّیعه بخشیدید، سال را هم برای ما با این آغاز زیبا و شیرین، شیرین کردید؛ خیلی ممنون. برنامه‌هایی که اجرا شد بسیار خوب بود؛ آقای یراقبافان ( ۲ ) هم که مثل همیشه مشغول یراقبافی زرّین [بودند]؛ خدا ان شاء الله ایشان را حفظ کند.

بنده رادیو تلاوت را و برنامه‌های قرآنی تلویزیون را تا حدودی گوش میکنم. هر وقت یک تلاوتی را می‌شنوم که به نظرم جذاب و پخته و برجسته می‌آید، از ته دل خدا را شکر میکنم؛ و بحمدالله این زیاد اتفاق می‌افتد؛ یعنی ما امروز قاریان برجسته و خوش‌خوان و صحیح‌خوان و آشنا با شیوه‌های خوب تلاوت در کشور زیاد داریم. واقعاً انسان همین طور یکی پس از دیگری مشاهده میکند. باید خدا را شکر کنیم. اگر بخواهیم با قبل از انقلاب مقایسه کنیم که اصلاً قابل مقایسه نیست. قبل از انقلاب در همه‌ی مشهد که همان روز هم یکی از مراکز مهمّ تلاوت و قرائت و مانند اینها محسوب میشد، شاید آن تلاوتگری که میتوانست قرآن را صحیح و خوب بخواند، دو نفر یا حداکثر سه نفر بیشتر نبودند. حالا آن استادهای پیرمرد را کاری ندارم. آنهایی که در جلسات ماها شرکت میکردند و میدیدیم آنها را، مثلاً فرض کنید آقای فاطمی، آقای مختاری، همین دو سه نفر بیشتر نبودند؛ [اما] امروز قابل شمارش نیست. از بس بحمدالله تلاوتگران قرآن در همه‌جای کشور در سراسر کشور [زیادند].

خب دیدید این جوان بوشهری ( ۳ ) را که من یادم آمد، آن سال هم که اینجا خواندند، شرح دادند که [از] روستایی هستند که همه‌ی آنها مشغول کار قرآنی هستند. یک روستایی است که مرکز قرآن است. اینها را خب مشاهده [میکنید] و از این قبیل در سرتاسر کشور بحمدالله زیاد است، و جای شکرگزاری است. دوستان به من گزارش دادند که رشد قرآن در جامعه از همه‌ی شاخصهای رشد در کشور بالاتر است؛ این خیلی مایه‌ی خرسندی و خوشحالی است.

یک جمله عرض بکنم برای اینکه قدر قاری و تلاوتگر برای همه‌ی ماها و برای خودشان هم روشن بشود، قاری و تلاوت‌کننده‌ی قرآن، رساننده‌ی پیام خدای متعال به مستمعین است. یعنی شما که اینجا می‌نشینید تلاوت میکنید، دارید رسالتی انجام میدهید، دارید پیام‌آوری‌ای انجام میدهید، و پیام خدا را به دل‌های ما میرسانید؛ این خیلی مقام والا و برجسته‌ای است، این افتخار بسیار بزرگی است. برای اینکه این پیام را خوب منتقل کنید، ابزارهایی لازم است که یکی‌اش صدای خوب است، یکی‌اش شگردهای اثرگذاری است، مثل لحن و بعضی از خصوصیات دیگری که حالا بعضی را بعداً یک اشاره‌ی مختصری میکنم. و من میبینم بعضی از قراء عزیز ما، که من از رادیوی تلاوت صدایشان را می‌شنوم، با این نکات کاملاً آشنايند و آنها را به کار می‌برند، از آنها استفاده میکنند و اثرگذاری تلاوتشان چند برابر میشود.

استماع قرآن یک کار واجب و لازمی است؛ حالا یا با تلاوت قرآن برای خود یا استماع قرآن از دیگری؛ [به هر حال]



این یک کار لازمی است. اولاً لازمه‌ی ایمان به وحی است؛ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ؛ (۴) اینهایی که قرآن را تلاوت میکنند [با رعایت] حق تلاوت، اینها ایمان دارند؛ پس تلاوت قرآن لازمه‌ی ایمان است. یا [میفرماید]: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»؛ (۵) خب تدبّر کی حاصل میشود؟ آن وقتی که شما تلاوت کنید یا استماع کنید؛ در این صورت. بنابراین استماع قرآن یک امر تفتنی نیست. بنده همیشه به دوستان مختلف، از مسئولین و غیر مسئولین، جوانها، [در مواقعی] که پیش می‌آید و راجع به قرآن صحبت میکنیم، میگویم شما هر روز حتماً قرآن بخوانید. حالا نمیگویم روزی مثلاً فرض کنید نیم جزء یا یک حزب بخوانید؛ [حتی] روزی نیم صفحه، روزی یک صفحه بخوانید، اما ترک نشود. در طول سال روزی نباشد که شما قرآن را باز نکنید و قرآن را تلاوت نکنید. خب، این استماع قرآن اولاً وظیفه است به خاطر ایمان، ثانیاً زمینه‌ساز رحمت الهی است؛ که میفرماید: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَانصتوا لعلکم ترحمون؛ (۶) یعنی شنیدن قرآن و استماع قرآن، زمینه‌ساز رحمت الهی است؛ دیگر چه بهتر از این! این یکی از مهم‌ترین عواملی است که میتواند انسان را با رحمت الهی آشنا کند.

تلاوت را باید با تدبّر انجام داد. البتّه مشکل مردم عزیز ما این است که با زبان قرآن آشنایی درستی ندارند. در کشورهای عربی، که شما ملاحظه میکنید مردم معمولی که نشسته‌اند برای نماز، مثلاً در مسجد امام حسین (علیه السلام) (۷) یا جاهای دیگر، که قراء پیش از نماز قرآن میخوانند، مردم مستقیم میفهمند مراد را، یعنی همان ظاهر قرآن را؛ که البتّه «ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ»؛ (۸) باطن عمیقی دارد که ممکن است بیشتر آن در اختیار آحاد مردم نباشد و بیشتر احتیاج به تفسیر و توضیح اهلش داشته باشد، لکن همین ظاهر قرآن برای همه استفاده دارد؛ از همین ظواهر هم همه میتوانند استفاده کنند؛ مشکل ما اینجا است؛ این را باید یک جوری حل کنیم.

حالا من اینجا یادداشت کرده‌ام که یکی از کارهای مهم این است که ما بتوانیم تلاوت قرآن را بیامیزیم به ترجمه‌ی تفسیری، نه ترجمه‌ی صرف معنی کلمات؛ یک ترجمه‌ی تفسیری که بعضی از ترجمه‌هایی که امروز رائج است و در دست مردم است، همین خصوصیت را دارند که یک نکاتی را در آنجا توجه داده‌اند. تفسیرهای بسیار خوب و روانی هم امروز خوشبختانه وجود دارد؛ یعنی ما امروز از لحاظ کتاب، از لحاظ ترجمه‌ی قرآن، از لحاظ تفسیر مشکلی نداریم؛ بحمدالله زیاد در اختیار هست؛ همین تفسیر نمونه، تفسیرهای دیگری که وجود دارد، تفاسیر زیادی از این قبیل هست. یک شکلی و یک شیوه‌ای باید پیدا کنید؛ این را بایستی متخصصین کار قرآن و کسانی که سرگرم این مسائلمند، یک راهی پیدا کنند که ما بتوانیم در محافل قرآنی که تلاوت قرآن میشود، به نحوی ترجمه را هم وارد کنیم.

البتّه الان یک کار کوچکی در رادیو تلاوت دارد میشود که من خوشم می‌آید: قبل از آنکه تلاوت را پخش کنند، آن مجری از روی همین تفاسیر متداولی که وجود دارد، جمعی از مضمون یک یا دو آیه از آیاتی را که بنا است این قاری بخواند بیان میکند؛ خیلی خوب است؛ این خیلی خوب است. حالا ولو مثلاً قاری ممکن است بیست آیه، سی آیه بخواند، این [مجری] یک آیه، دو آیه را بیان میکند اما همان اندازه هم مغتنم است. این کاری است که الان در رادیو تلاوت انجام میگردد. شبیه این را قبل از انقلاب بنده در جلساتی که درباره‌ی مسائل قرآنی صحبت میکردم [انجام میدادم]. این جوری بود که من شرح مفصّلی را - مثلاً به قدر شاید یک ساعت - درباره‌ی یک موضوعی بحث میکردم؛ آیات آن موضوع را انتخاب کرده بودیم. بعد از صحبت من، یک نفر از قراء، همین دوستانی که مشهد بودند - قاریانی که بعضی‌شان بحمدالله در قید حیانتند، بعضی هم به رحمت خدا رفته‌اند - اینها می‌آمدند می‌نشستند؛ من میگفتم [دیگران] قرآن را در مجالس مقدّمه‌ی سخنرانی قرار میدهند، من سخنرانی‌ام را مقدّمه‌ی قرآن قرار میدهم؛



سخنرانی می‌کردم - من ایستاده سخنرانی می‌کردم - بعد آنجا صندلی بود، منبر بود، قاری می‌آمد روی آن منبر می‌نشست و تلاوت قرآن می‌کرد؛ ما آن زمان این کار را می‌کردیم، حالا نمیدانم چقدر در این جلسات این جور کارها ممکن است. به هر حال شیوه‌ای باید انتخاب کرد. این کار شاید به عهده‌ی همین مجموعه‌های قرآنی باشد که ببینند چه کار میشود کرد که وقتی شما تلاوت میکنید، مردم بتوانند مضامین را، مفاهیم را همان جور به دست بیاورند و بفهمند.

یکی از کارهای خیلی خوب، رواج تلاوت و استماع قرآن در همه‌ی مساجد است. بعضی از مساجد این جور است که در آن تلاوت میشود. عرض من این است که اگر بتوانیم، هر مسجدی را یک پایگاه قرآن قرار بدهیم؛ یعنی از یک قاری، دو قاری دعوت کنند - الحمدلله قاری که خب زیاد است - قبل از نماز بیایند آنجا؛ حالا اگر میشود، هر روز این کار را بکنند، که خب یک قدری مشکل است، لاقلاً هفته‌ای یک بار یک قاری، یک تلاوتگر قرآن بیاید در مسجد و بنشیند و قرآن بخواند، مردم گوش کنند؛ حالا احیاناً یا خود او، یا یک نفر در کنار او تفسیر و ترجمه‌ی تفسیری کوتاه و مختصری را هم برای فهم مردم بیان کنند. به نظر من اینها خوب است.

یک مقداری بایستی به مسائل مربوط به قرآن اهتمام ورزید. قرآن کتاب زندگی است، کتاب حکمت است، کتاب درس است؛ دیگر در این زمینه ما زیاد صحبت کرده‌ایم، نمیخواهم آنچه را گفته‌ایم مجدداً تکرار کنم. قرآن برای همه‌ی بخشهای زندگی درس دارد. هر صفحه‌ای از قرآن را که شما نگاه کنید، وقتی دقت کنیم، تدبّر کنیم، در هر صفحه‌ی قرآن انسان میتواند ده‌ها نکته‌ی اساسی برای زندگی پیدا کند. اینها مسائل مهمی است. نه فقط مسائل مربوط به عالم آخرت - که آنها در قرآن خیلی سنگین و پُررنگ و قوی است - حتی مسائل مربوط به زندگی شخصی ما، زندگی خانوادگی ما، مسئله‌ی حکومت ما، مسئله‌ی ارتباطات بین‌المللی ما، نسبت به همه‌ی اینها و برای همه‌ی اینها در قرآن حکمت هست، تدبیر هست. خب بایستی ما از این استفاده کنیم، از قرآن استفاده کنیم.

بحمدالله جامعه‌ی قرآنی امروز وسیع است. یک روزی بود این حرفها را می‌زدیم، هیچ زیرساختی برایش وجود نداشت؛ آن روز یک تعداد کمی با قرآن مأنوس بودند و کسانی هم که مثلاً برای مردم نصیحت و صحبت میکردند، در خیلی از بیانات و مانند اینها از قرآن خیلی استفاده نمیشد. امروز بحمدالله زیرساخت خیلی فراوان است؛ قاری قرآن زیاد داریم، حافظ قرآن زیاد داریم، تلاوتگر قرآن زیاد داریم، مستمعین و علاقه‌مندان به قرآن زیاد داریم؛ در مجالس قرآنی شرکت میکنند، انسان میبیند. بنابراین، بایستی روی مسئله‌ی تلاوت قرآن، روی مسئله‌ی آشنایی با قرآن و با مفاهیم قرآن، هر چه ممکن است کار کنیم، و بیشتر کار کنیم؛ این مسئله، مسئله‌ی مهمی است.

چند نکته برای تلاوتگران عرض میکنم؛ به شما که حالا تلاوت میکنید و مردم استفاده میکنند و این شأن بزرگ را خدای متعال به شما داده، این توفیق بزرگ را پیدا کرده‌اید که میتوانید آورنده‌ی رسالت الهی به مردم باشید و دلهای ما را مخاطب خودتان قرار بدهید، چند نکته را من عرض بکنم. تلاوت باید برای اثرگذاری بر مخاطب باشد که البته این شگردهایی دارد که من بعضی از آنها را بعداً عرض میکنم؛ البته اغلب شماها هم آشنا هستید؛ «اثرگذاری بر مخاطب»؛ یعنی شما تلاوت را که شروع میکنید، نیتتان باید این باشد که این تلاوت شما در مخاطب شما اثر بگذارد. ما دو جور تلاوت داریم: یک جور آن تلاوتی که هدفش اثرگذاری است، یک جور آن تلاوتی که هدفش آوازخوانی است. تعجب میکنید؟ تعجب نکنید. حالا شماها الحمدلله چون خودتان همه خوب و پاک و دارای نیت صادق هستید، ممکن است برایتان تعجب‌آور باشد؛ اما نه، کسی که با این قراء بیرونی - خارج از کشور ما؛ اسم





با این اصرار متوجه او است و او امتناع میکند. این اهمیّت این مسئله است؛ یعنی میخواهد موقعیّت را آن چنان مشخص کند در ذهن مخاطب که کأته دارد در مقابل چشم او اتفاق می افتد، لذاست که تکرار میکند. این جور تکرار هم در تلاوتهای قرآن خوب برجسته‌ی عرب کم است که همین‌طور بلافاصله پشت سر هم تکرار کند. این یک نمونه است. اینها خوب است؛ اینها را اگر چنانچه دوستان تمرین کنند و این جور عمل کنند و اگر چنانچه مثلاً یک جایی اختلاف قرائتی وجود دارد، این را بیان کنند، به نظر میرسد خیلی خوب است. حالا مثلاً در آن «سَلَامٌ عَلٰی اِل یاسین»، (۱۱) قرائت و رَش «آل یاسین» است. «سَلَامٌ عَلٰی اِل یاسین»، «سَلَامٌ عَلٰی اِل یاسین»؛ تنها و رَش اینجا «آل یاسین» خوانده؛ بقیّه همه «آل یاسین» خوانده‌اند. مثلاً تکرارش بد نیست؛ «سَلَامٌ عَلٰی اِل یاسین»، «سَلَامٌ عَلٰی اِل یاسین».

یک نمونه‌ی جالب دیگری که خیلی برای من شیرین و جذاب بود، تلاوت شیخ مصطفیٰ اسماعیل است در سوره‌ی نمل که وقتی حضرت میفرماید که «اَیُّکُمْ یَأْتِیَنِی بَعْرَ شِہَا»، (۱۲) اینجا «قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ»؛ این [اختلاف قرائت] خودش را نشان میدهد. ضمناً جن تحت فرمان حضرت سلیمان بودند، امّا دلشان با حضرت سلیمان نبوده که «تَبَیَّئْتُ الْجِنُّ اَنْ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ الْغَیْبَ مَا لِیْثُوا فِی الْعَذَابِ الْمُهِّیْنِ» (۱۳) – که در سوره‌ی [سبأ است] – این نشان‌دهنده‌ی این است که اینها تحت فرمان بودند، اینها مجبور بودند، حضرت تسخیر کرده بود اینها را، امّا دلشان با حضرت نبوده. حالا اینجا [که میفرماید] «قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَقَامِکَ»، (۱۴) شیخ مصطفیٰ اسماعیل چه کار میکند؟ اوّل همین را میخواند: «قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَقَامِکَ»؛ [بعد] «اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ» را با قرائت و رَش [میخواند]؛ یعنی تکرار مطلب به صورت قرائت و رَش؛ چرا؟ برای خاطر اینکه قرائت و رَش در اینجا آن غرور این عفریت را بیشتر نشان میدهد. ببینید، این [نحوه‌ی خواندن] خودش را دارد نشان میدهد؛ به همین جهت تکرار میکند. به نظر من مصطفیٰ اسماعیل – با آن شناختی که آدم از این قاری بزرگ و برجسته دارد – تعمّداً این قرائت را اینجا بلافاصله تکرار میکند؛ یعنی نمیگذارد آیه تمام بشود، بعد شروع کند؛ همان جا بعد از «اَنَا اَتِیْکَ» که قرائت معروف حفص از عاصم است، قرائت و رَش را تکرار میکند برای اینکه نشان بدهد دارد از خودش تعریف میکند.

بعد، آن «اَلَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتَابِ» میزند نوب دهن این؛ آن هم میگوید «اَنَا اَتِیْکَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ یَرْتَدَّ اِلَیْکَ طَرَفَکَ». (۱۵) اینجا هم [شیخ مصطفیٰ اسماعیل] همین کار را میکند، اینجا هم همین جور [میخواند]؛ یعنی در واقع یک حرکت غرورآمیز غلط «عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ» را یک بنده‌ی خالص مؤمن از اصحاب حضرت سلیمان، به او جواب میدهد و در واقع نوب دهن او میزند. ببینید، این استفاده‌ی از اختلاف قرائت به این شکل، کاملاً چیز خوبی است؛ امّا اگر چنانچه بدون این جهات، بدون این دقتها و توجهات، اختلاف قرائت انجام بگیرد، حالا در یک حدّ رقیقی، به نظر بنده اشکال ندارد. میدانید چون و رَش ساکن مصر بوده و در واقع میراث مصری‌ها همین قرائت و رَش است از نافع، لذاست که اهمیّت میدهند. حتماً شنیده‌اید که آنجا حتی ترتیلهایی دارند صرفاً با قرائت و رَش؛ از اوّل تا آخر، فقط قرائت و رَش است. در مصر و بعضی از کشورهای شمال آفریقا که غرب دنیای اسلام میشود، قرائت و رَش از نافع [رایج] است. قرائت حمزه هم به خاطر همزه‌ی بعد از حرف ساکن که یک سکتی در آن ایجاد میکند، یک زیبایی‌ای دارد که آن هم در مواردی اشکال ندارد؛ امّا افراط کردن در بیان این قرائتهای مختلف و توسّل به انواع و اقسام حرفهای آنها و بخصوص بعضی از این اماله‌های عجیب و غریبی که انجام میدهند که واقعاً آدم نمیتواند درست هضم کند که این چرا این جور است، [درست نیست]. گمان هم نمیکنم امروز در دنیای عرب هیچ عربی این جور اماله‌ی در بیان داشته باشد؛ حالا شاید آن روزی که مثلاً جناب حمزه – یکی از قرّاء سبعة – این جور چیزی را بیان



کرده، آن روز [رایج] بوده، اما گمان نمیکنم امروز در دنیای عرب – یعنی من تا حالا نشنیده‌ام و ندیده‌ام – این جور حرف بزنند یا کسره‌ها را این جور اِماله کنند. علی‌ای حال، این در مورد این معنا.

یک نکته‌ی دیگر هم در واقع یک شگرد است دیگر، در واقع در مورد قطع و وصل‌ها است. یکی از قرّاء محترمی که امروز اینجا تلاوت کردند، خیلی خوب بود از این جهت؛ یعنی تقریباً اغلب آقایانی که امروز تلاوت کردند، بخصوص یکی‌شان، خیلی خوب مواردی را قطع میکردند که مستمع دلش متوجه آنجا بشود. گاهی اوقات هست که قطع مطلب در آیه‌ی قرآن موجب این میشود که مطلب در ذهن جا بگیرد، گاهی اوقات موجب این میشود که اهمّیت مطلب و خصوصیت و نکته‌ای که در مطلب هست نشان داده بشود؛ گاهی هم این جوری است که البته اینها را باید مثال زد تا درست روشن بشود که مقصود چیست که حالا مجال نیست، خیلی‌هایش را هم من یادم نیست. حالا آنچه مثلاً در ذهنم هست، باز تلاوت مصطفیٰ اسماعیل است در سوره‌ی قصص: *فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*. (۱۶) خب این را ما اگر بخوایم بخوانیم چه جوری میخوانیم؟ ما همین جوری میخوانیم: *فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*؛ یکی از آن دو دختر آمد، با حیا حرکت میکرد؛ خیلی خب، این خواندن عادی است. مصطفیٰ اسماعیل این جوری نمیخواند؛ او میگوید «*فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي*»، «*عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*» را نمیگوید؛ یک فاصله‌ای میکند، بعد میگوید «*عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*»؛ چرا؟ برای اینکه این حیا کردن دختر معنا دارد. خب این همان دختری است که نیم ساعت قبل از این یا یک ساعت قبل از این، پهلوی همین جوان بوده و گوسفندانش را آب داده و رفته؛ حالا چرا خجالت میکشد، [ولی] آن وقت خجالت نمیکشید؟ [چون] اینجا رفته‌اند پیش پدر صحبت کرده‌اند و از این جوان تعریف کرده‌اند، یک گفتگویی داخل خانه شده راجع به این جوان، لذاست که این دختر حالت حیا دارد وقتی که می‌آید؛ «*عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*». این را میخواهد مشخص کند، میخواهد این را برجسته کند؛ لذاست «*تمشی*» را میگوید، «*عَلَى اسْتِحْيَاءٍ*» را جدا میکند، جدا میگوید. از این قبیل هست؛ اگر چنانچه توجه به اینها باشد، به نظر بنده خیلی خوب است. یا تکرار بعضی از آیات یا تکرار بعضی از جملات یا ارتفاع و انخفاص صوت – بالا رفتن و پایین آمدن صوت – در بعضی از جاها، اینها همه شگردهای مهمی است که کمک میکند به تأثیرگذاری قرآن در دلها.

به هر حال، کار شما کار مهمی است، کار بزرگی است، کار برجسته‌ای است، کار فنی‌ای است، هنر مرکبی است. این کاری که شماها میکنید یک هنر است؛ تلاوت قرآن یک هنر بزرگ و مرکب است؛ یعنی ترکیب است از آهنگ و خصوصیات گوناگونی که در تلاوت مورد توجه است برای اینکه انسان بتواند اثر بگذارد. فقط توجه داشته باشید که تلاوت را برای نوع لحن انجام ندهید؛ تلاوت را با هر لحنی که میخوانید، به قصد تأثیرگذاری در طرف مقابل انجام ندهید؛ یعنی نیت و هدف این باشد، نه مثل بعضی از همین خواننده‌های معروف عرب؛ حالا من از مصطفیٰ اسماعیل تعریف کردم، اما ایشان هم گاهی اوقات همین جور است؛ یک وقتی جوری میخواند که آدم احساس میکند گویا میخواهد لحن را و کیفیت خواندن را به رخ مخاطب بکشد و تحت تأثیر قرار بدهد، لکن در موارد زیادی هم تلاوت او تلاوت تأثیرگذار معنوی است.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد، به همه‌ی ما توفیق بدهد با قرآن بیشتر مأنوس بشویم، با قرآن بیشتر آشنا بشویم، بتوانیم ان شاء الله وظیفه‌ی خودمان را در این بخش از مسائل قرآنی عمل کنیم. بخش مهم، عمل به قرآن است که آن باب دیگری است و مقوله‌ی بسیار وسیعی است؛ در بخش مربوط به تلاوت و احترام به قرآن، این خصوصیات را عرض کردیم. امیدواریم ان شاء الله خداوند شماها را موفق بدارد.



پروردگارا! به حقّ محمد و آل محمد ما را با قرآن محشور کن؛ ما را با قرآن زنده بدار؛ با قرآن در قبر و قیامت محشور بفرما؛ بیشترین بهره‌ی قرآنی را برای ما مقدّر بفرما؛ جامعه‌ی ما را جامعه‌ی قرآنی قرار بده؛ کسانی که به ما قرآن تعلیم کردند، کسانی که تجوید یادمان دادند، کسانی که رموز قرآنی را به ما تعلیم کردند، پروردگارا! آنها را مشمول لطف و رحمت و مغفرت خودت قرار بده؛ اساتید قرآنی ما را خداوند ان شاءالله با اولیائش محشور کند.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

- ( ۱ ) در ابتدای این دیدار – که در اولین روز ماه رمضان ۱۴۴۴ برگزار شد – تعدادی از قاریان و گروه‌های همخوانی به تلاوت آیاتی از قرآن کریم و نغمات قرآنی پرداختند.
- ( ۲ ) آقای مجید یراقبافان ( مجری برنامه )
- ( ۳ ) آقای سیّد طه حسینی، از اهالی روستای چارک خور موج
- ( ۴ ) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۱
- ( ۵ ) از جمله، سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۲؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟...»
- ( ۶ ) سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۰۴
- ( ۷ ) در قاهره
- ( ۸ ) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸؛ «قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیدا است.»
- ( ۹ ) سوره‌ی فصلت، بخشی از آیه‌ی ۳۳؛ «و کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید...؟»
- ( ۱۰ ) سوره‌ی یوسف، بخشی از آیه‌ی ۲۳
- ( ۱۱ ) سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۳۰؛ «درود بر پیروان الیاس.»
- ( ۱۲ ) سوره‌ی نمل، بخشی از آیه‌ی ۳۸؛ «... کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد؟...»
- ( ۱۳ ) سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۱۴؛ «... برای جثیان روشن گردید که اگر غیب میدانستند، در آن عذاب خفت‌آور [باقی] نمی‌ماندند...»
- ( ۱۴ ) سوره‌ی نمل، بخشی از آیه‌ی ۳۹؛ «عفریتی از جن گفت "من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم."...»
- ( ۱۵ ) سوره‌ی نمل، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت "من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برای تو می‌آورم."...»
- ( ۱۶ ) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «پس یکی از آن دو زن – در حالی که به آزر گام بر میداشت – نزد وی آمد...»